

آداب و سنن حمام های قدیم ایران

۲۷ دی ۱۳۹۴ ساعت ۸:۰۲

در عهد قاجاریه حمام رفتن در فصل زمستان کار دشواری بود و غالب مردم اواخر پاییز حمام می رفتند و تا شب عید رنگ حمام را نمی دیدند. این وضع منحصر به ایران نبود، فرنگیها هم تا پیش از جنگهای صلیبی اصلاً اطلاعی از حمام نداشتند.

جوان و تاریخ: سابقاً در همه جای ایران حمام عمومی وجود داشت و اهالی محل اقلماً هفته ای یک بار به منظور نظافت به حمام می رفتند. با این تفاوت که مردان قبل از طلوع آفتاب تا ساعت هشت صبح حمام می گرفتند و از آن ساعت تا ظهر و حتی چند ساعت بعد از ظهر حمام در اختیار زنان بود. امروز هم حمام عمومی در غالب نقاط ایران وجود دارد، منتها فرقی با حمامهای قدیم این است که در حمامهای قدیم از خزینه استفاده می شد؛ ولی در حمامهای عمومی جدید دوشتهای متعدد جای خزینه را که به هیچ وجه منطبق با اصول بهداشتی نبود گرفته است. در حمامهای عمومی خزینه دار که امروزه در ایران کمتر وجود دارد سنن و آدابی را از قدیم رعایت می کردند که بعضاً جنبه ضرب المثل پیدا کرده است.

یکی از آن آداب این بود که هر کس وارد حمام می شد، برای اظهار ادب و تواضع نسبت به افراد بزرگتر که در صحن حمام نشسته، مشغول کیسه کشی و صابون زدن بودند، یک سطل یا طاس بزرگ آب گرم از خزینه حمام بر میداشت و بر سر آن بزرگتر می ریخت. البته این عمل به تعداد افراد بزرگ و قابل احترام که در صحن حمام نشسته بودند تکرار می شد. و تازه وارد وظیفه خود می دانست که بر سر یکایک آنان با رعایت تقدم و تأخر آب گرم بریزد. بسا اتفاق می افتاد که یک یا چند نفر از آن اشخاص مورد احترام در حال کیسه کشیدن و یا صابون زدن بودند و احتیاجی نبود که آب گرم به سر و بدن آنها ریخته شود، مع ذالک این عوامل مانع از ادای احترام نمی شد و کوچکترها به محض ورود به صحن حمام خود را موظف می دانستند که یک طاس آب گرم بر سر و بدن آنها بریزند و بدن وسیله عرض خلوص و ادب کنند.

از آداب دیگر در حمام عمومی خزینه دار قدیم این بود که اگر تازه وارد کسی از آشنایان و بستگان نزدیک و بزرگتر از خود را در صحن حمام می دید، فوراً به خدمتش می رفت و به منظور اظهار ادب و احترام او را مشمت و مال می داد یا اینکه لیف صابون را به زور و اصرار از دستش می گرفت و پشتش را صابون می زد.

سنت دیگر این بود که هر کس وارد خزینه حمام می شد به افرادی که شست و شو می کردند سلام می کرد و ضمناً در همان پله اول خزینه دو دست را زیر آب کرده، کمی از آب خزینه بر می داشت و به یکایک افراد حاضر از آن آب حمام تعارف می کرد. برای تازه وارد مهم و مطرح نبود که افراد داخل خزینه از آشنایان هستند یا بیگانه، به همه از آب مفت و مجانی تعارف می کرد و مخصوصاً نسبت به افراد بیگانه بیشتر اظهار علاقه و محبت می کرد زیرا آشنا در هر حال آشناست، و دوست و آشنا احتیاج به تعارف ندارند. در هر صورت این رسم از قدیمترین ایام یعنی از زمانی که حمام خزینه به جای آب چشمه و رودخانه در امر نظافت

بی فایده نیست که اطلاعات زیر درباره حمامهای قدیم و آداب حمام رفتن، از نوشته شادروان علی جواهر کلام نقل شود:

«در عهد قاجاریه حمام رفتن در فصل زمستان کار دشواری بود و غالب مردم اواخر پاییز حمام می رفتند و تا شب عید رنگ حمام را نمی دیدند. این وضع منحصر به ایران نبود، فرنگیها هم تا پیش از جنگهای صلیبی اصلاً اطلاعی از حمام نداشتند و همین که ایام جنگهای صلیبی به شرق آمدند با حمام آشنا شدند. مع ذالک باز هم تا مدتی بعد از آن حمام رفتن در فرنگستان مد بود و مشهور است که یکی از ملکه های فرانسه همیشه افتخار می کرد که پنجسال است به حمام نرفته است.

حمامهای قدیم معمولاً چند متر از سطح کوچه و بازار پایینتر بود؛ چون اگر غیر از این می بود آب به خزانه سوار نمیشد. سر در حمام شکل دیو و رستم و یا شیطان و مالک دوزخ را نقاشی می کردند.

در هر صورت چندین پله پایین می رفتیم تا به سر بنه یا رختکن می رسیدیم. "بینه" یک حیاط سرپوشیده ای بود که وسط آن حوض بزرگی قرار داشت. اطراف بینه سکوهای بلندی دیده می شد که در آنجا رخت می کردند. استاد حمامی در کنار یکی از آن سکوها یا بالای یکی از سکوها می نشست و جعبه دخل را هم بغل دستش می گذاشت. از سقف بینه چراغ بزرگ گرد سوز و گاهی هم چهلچراغ تا بالای حوض آویخته بود. دور تا دور سکوهای رختکن تیر می گذاشتند و به آن تیرها گویهای شیشه ای رنگارنگ می آویختند. یک تغار (کاسه بزرگ سفالین) محتوی آلو و آب آلو روی چهارپایه نزدیک حوض بود و چندین کاسه کوچک با قاشقهای چوبی پهلوی تغار می گذاشتند. در ایام زمستان به جای آب آلو، لبو و آب لبو را با کمی سرکه توی تغار می ریختند. علاوه بر استاد حمامی یک نفر به نام "جامه دار" یک نفر به اسم "مشت و مالچی" و یک نفر هم به عنوان "پادو" در سر بینه حضور داشتند و تا مشتری وارد می شد، پادو کفش مشتری را زیر سکو می گذاشت و یک لنگ خشکروی سکو پهن می کرد. مشتری که لخت می شد، پادو یک لنگ دیگر به او می داد. مشتری آن لنگ دوم را به کمر می بست. لباسهایش را توی آن لنگ اول می پیچید و از سکو پایین می آمد. از دالان تاریکی می گذشت، و در صحن حمام را می گشود و توی حمام می رفت. در اینجا چند شاه نشین و چند ایوان و چند طاق نما و یک حوض کوچک آب سرد بود و کارگران داخل حمام عبارت بودند از چند دلاک و یک پادو، آبگیر و دو سه پادو...»

این نکته جالب هم ناگفته نماند که ایرانیان تا عصر قاجاریه توی خزانه حمام نمی رفتند، زیرا به گفته مورخ معاصر شادوران رحیم زاده صفوی همه حمامهای ایران، درهانش بسته بود و یک روزنه به نام آخور می ساختند که به خزانه متصل بود و از آنجا آب برداشته خود را می شستند. در آن زمان مردم توی خزانه نمی رفتند و درهای خزانه ها فقط قرن گذشته باز شد و موجب کثافت گرمابه ها گشت.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/21739/آداب-سنن-حمام-سنة-آداب>